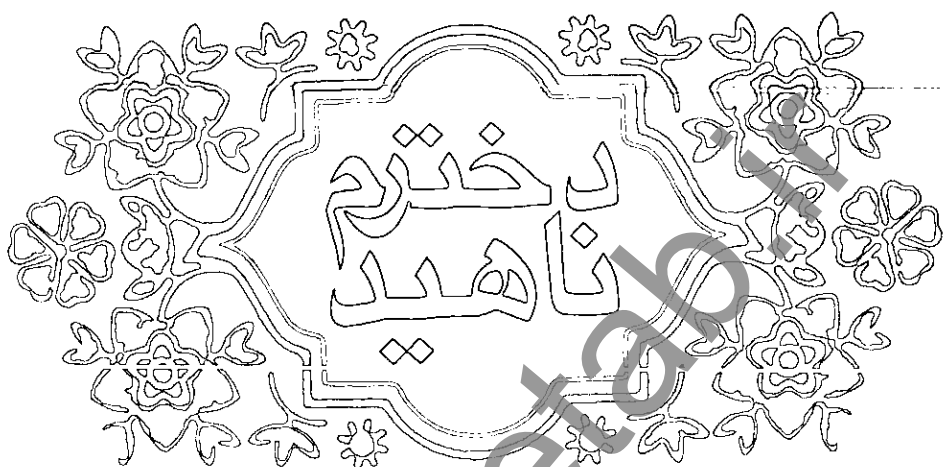




حسین علی جعفری





نشر فاتحان

دخترم داهید

نویسنده :
حسین علی جعفری

سرشناسه : جعفری، حسین علی، ۱۳۴۴
عنوان و نام پدیدآورنده : دخترم داهید / به سفارش
سازمان حفظ آثار و نشر دفاع مقدس و بسیج
مشخصات نشر : تهران : فاتحان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۳-۸۲-۲
وضعیت فهرست نویسی : فبا
موضوع : داستان های فارسی — قرن ۱۴
شناسه افزوده : سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای
دفاع مقدس و بسیج.
رده بندی کنگره : ۸۰۳۳ / RIP ۱۳۹۱ / ۳ ۷۲۵۸ ع
رده بندی دیویی : ۸۶۲/۳
شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۷۳۹۱۶

نام کتاب : دخترم داهید
نویسنده : حسین علی جعفری
ناشر : فاتحان
صفحه آرایي : مجتبی امیری
شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه
چاپ نخست : زمستان ۱۳۹۱
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۳-۸۲-۲

فهرست

۷ /	تقدیم به
۹ /	یک
۲۵ /	دو
۴۱ /	سه
۵۳ /	چهار
۷۹ /	پنج
۹۵ /	شش
۱۱۹ /	هفت
۱۳۹ /	هشت
۱۵۵ /	نه
۱۶۱ /	ده
۱۶۷ /	یازده
۱۷۹ /	دوازده
۱۸۳ /	سیزده
۱۹۱ /	چهارده

سخن اول

نخستین بار نام و تصویرش را برافراشته در بیست و پنجمین دوره نمایشگاه کتاب تهران (اردیبهشت ماه ۹۱) دیدم: سمیه کردستان؛ دختری هفده ساله که زنده به گور شد؛ چرا که نپذیرفت به امام توهین کند. برای شادی روح اش صلوات فرستادم و گذشتم. بعدها یکی - دو مطلب کوتاه هم از این شهید شاخص سال خواندم و باز هم گذشتم تا این که از انجمن ادبیات داستانی بسیج با من تماس گرفتند و پیشنهاد نوشتن رمانی درباره او دادند. فرصت کوتاهی خواستم برای تفکر و نمی دانم که چرا با این همه مشغله فکری و کاری، پاسخ مثبت فرستادم! تا این که کار را با راهنمایی و کمک مدیریت ادبیات و هنر معارف فرهنگی سازمان بسیج مستضعفین آغاز کردم.

منابع تحقیق درباره شهید ناهید فاتحی کرجو، اندک بود؛ تنها دو کتاب بیشترین کمک را به من کرد: کتابی تحقیقی به نام مستوره آسمانی نوشته محمد فائق فرجی که نگارنده اش فروتنانه آن را یک جزوه می داند و نه کتاب و دیگری، فاتح هشمیز نوشته خانم فریبا انیسی. البته یک فیلم کوتاه مستند از محمدعلی مردانی و کتابی به آخری داستان واره ای از علی آغاغفار را هم دیدم؛ اما مینا همان دو کتاب کوچک شد.

حال، این کتاب رمانی از آب درآمد که تنها نکات و نقاط اصلی زندگی و زمانه شهید ناهید در آن مستند است و مابقی قصه ها، قضایا، ساخته و پرداخته تخیل نگارنده. دیدم بستر مناسبی است که جنایت های گروه های ضدانقلاب را برملاء سازم. در این رابطه تحقیقاتی هم داشتم. برای شناخت افکار و رفتار گروهک کومه له مطالعاتی کردم. از نوشته ها و سایت های گوناگون گرفته تا شاهدان عینی و کسانی که توی کردستان حضور داشته یا در آن جا جنگیده اند.

لازمه نوشتن این رمان که بسترش در کردستان و درباره دختری از آن دیار است، شناخت حداقلی از فرهنگ آن سرزمین می باشد. به کتاب ها و سایت ها سر زدم و نکات خوبی به دست آوردم و از این و آن هم پرس و جوهایی را طرح نمودم و پاسخ گرفتم. نتیجه این شد که خواهید خواند.

جای سپاس بسیار دارد از بزرگواری که بنده را در این مسیر یاری رساند؛ معاونت نشر و ادبیات سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه و عزیزانی که مساعدت و راهنمایی شان یاری گر من بود. باشد که شهید کرجو التفاتی نماید به من و همه این دوستان و همه خوانندگان.

کلام آخر این که یادمان باشد ما میهمان شهدا هستیم و آنان میزبان. باشد که احترام میزبان را پاس بداریم.

روح مان را با یادشان شاد کنیم برای همیشه.
ان شاء الله.

حسین علی جعفری